گزارش

تشکیل پرونده برای ماجرای کنسرت تالار وحدت

قانون فصل الخطاب همه

فرقی نمی‌کند، قانون برای همه باید یکسان باشد، چه این طرفی چه آنطرفی، چه مذهبی چه غیرمذهبی، چه چپ چه راست، هر یک از آنها تخلف کند و قانون را زیر پا بگذارد باید با قانون طرف شود.

زمانی که یک کنسرت یا یک فیلم یا هر اثر هنری برای پخش از وزارت ارشاد و سازمان‌های ذیربط مجوز می‌گیرد، هم برگزارکنندگان و هم آنهایی که به هر دلیل با برگزاری برنامه‌های هنری و فرهنگی مخالفند، باید به قانون تمکین کنند و ضمن رعایت چارچوب‌ها از دوقطبی‌سازی در فضای اجتماعی و فرهنگی کشور پرهیز کنند.

اتفاقی که در کنسرت تالار وحدت افتاد، از هر دو جهت زیرپا گذاشتن قانون بود که مسئولان به آن رسیدگی خواهند کرد. همین مسئله تاکنون باعث گشته تا خوراک لذیذی برای رسانه‌های دشمن پخته شود و آنها نیز با بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای بزرگی که در دست دارند، علیه ایران اسلامی به فرافکنی بپردازند.

رفتارهای سرخود و خارج از چارچوب قانون از سوی برخی برای کشور هزینه ساز است.

پس از اقدامات حاشیه ساز فردی قانون‌شکن در جریان برگزاری کنسرت گروه لیان در تالار وحدت و فضای غیرمتعارف سالن اجرای موسیقی، پرونده قضایی برای عوامل این وقایع در دادسرای تهران تشکیل شده است.

به گزارش فارس، روابط عمومی قوه قضاییه خبر داده که «در پی ایجاد برخی وقایع در تالار وحدت و اقدامات هنجارشکنانه و غیرمتعارف در جریان برگزاری یک کنسرت موسیقی در این مجموعه فرهنگی، بلافاصله پرونده قضایی در دادسرای تهران تشکیل شد.»

در جریان برگزاری کنسرت جمعه شب گذشته گروه لیان، همزمان با آخرین اجرای این گروه، برخی افراد قانون‌شکن به تالار وحدت و اجرای گروه موسیقی لیان حمله کردند و در مقابل تالار وحدت توسط عوامل انتظامی و حراست بنیاد رودکی بازداشت و به مراجع قانونی تحویل داده شدند.

افراد بدسابقه سیاسی به دنبال دوقطبی‌سازی‌اند

محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یک روز پس از حواشی این کنسرت، از فعالیت یک جریان سیاسی در کشور که به دنبال بزرگ‌نمایی برخی مشکلات است سخن گفت. او در همین رابطه توضیح داد: بنده به راحتی این نگاه جریان سیاسی را می‌بینیم، به طوری‌که برخی افراد بدسابقه سیاسی که در کشور فعال و الان تعدادی از آنان خارج از کشور هستند، دنبال تحریک افکار عمومی و ایجاد دوقطبی‌سازی بوده تا فضای رسانه‌ای کشور سنگین و آرامش فضای فرهنگ و هنر را از بین ببرند.

اسماعیلی همچین در رابطه با هنجارشکنی عده‌ای در فضاهای فرهنگی هنری کشور گفت: از همه مردم و هنرمندان خواهش می‌کنم فضا را با دقت رصد کرده و اجازه سوءاستفاده به دشمن ندهند، چرا که باید حتماً در اماکن فرهنگی و هنری کشورمان مسائل شرعی و قانونی رعایت شود.

اسماعیلی بیان کرد: اصلاً اجازه نمی‌دهیم در فضاهای فرهنگی و هنری کشورمان عده‌ای بخواهند هنجارشکنی کنند. اگر در کنار این، اتفاقات معدود و اندکی هم رخ داد، آن را به پای اهالی فرهنگ و هنر نمی‌نویسیم.

موج‌هایی در فضای مجازی که حقیقت ندارند

هفته گذشته نیز محمود سالاری معاون هنری وزیر فرهنگ در واکنش به خبر تعطیلی سریالی کنسرت‌های موسیقی در کشور گفت: این شیطنت است و چنین اخباری صحت ندارد،کدام جریان سریالی؟ وزارت کشور اعلام کرده که سالن این نهاد نقص فنی دارد، سایر سالن‌ها فعال هستند و کنسرت‌های موسیقی در آنها برگزار می‌شود؛ موج‌هایی در فضای مجازی ایجاد می‌شوند که حقیقت ندارند. با اینکه در کشور هر روزه فعالیت‌های هنری متعددی در حال برگزاری است ولی رسانه‌های معاند تلاش می‌کنند که فضای فرهنگی کشور را به گونه‌ای نشان دهند که انگار فعالیت‌های هنری تعطیل است. برای آشکار شدن این دروغ های مجازی کافی است سری به سالن‌های تئاتر، گالری‌های هنری وکنسرت‌های موسیقی بزنید تا شاهد برگزاری هرروزه اجراهای هنری باشید.

لزوم احترام همه دستگاه‌ها به مجوزهای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد

«محمد مخبر» معاون اول رئیس جمهور نیز در جلسه هیات دولت، در واکنش به حواشی اخیر فضای فرهنگی کشور با تاکید بر لزوم احترام همه دستگاه‌ها به مجوزهای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری مراسم‌های فرهنگی گفت: همه باید به این مجوزها احترام بگذارند و در صورت وجود برخی اشکالات احتمالی، این مسائل را از طریق مرجع صادرکننده مجوز پیگیری کنند.وی روسای دستگاه‌های اجرایی و مسئولین دولت را به همکاری حداکثری با مجلس شورای اسلامی فراخواند و گفت: دولت و مجلس هم باید برای پیشبرد هرچه بهتر برنامه‌های کشور حداکثر همکاری و هماهنگی را داشته باشند.

طلسم اکران «عروسک» می‌شکند؟

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «عروسک» در تدارک اکران این فیلم در نخستین سالگرد فقدان کارگردانش است.

«عروسک» دومین فیلم بلند زنده‌یاد اصغر یوسفی‌نژاد بود که دو سال قبل متقاضی شرکت در جشنواره فیلم فجر شد و با وجود اینکه برخی اعضای هیات انتخاب این فیلم را پسندیده بودند، مجوز نمایشش در این رویداد صادر نشد.

اصغر یوسفی‌نژاد متولد سال ۱۳۴۸ بود که سال‌ها به عنوان نویسنده و منتقد در سینما و نشریات معتبر سینمایی از جمله مجله «فیلم» فعالیت داشت و سال ۱۳۶۹ نخستین فیلم هشت میلیمتری خود را با نام «سیاه و سفید» در سه اپیزود ساخت. او با وجود دوران طولانی فعالیت در این عرصه و ساخت سریال در صدا و سیمای تبریز، با فیلم «اِو» (خانه) که سال ۱۳۹۵ در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد، در سینمای ایران به شهرت رسید. یوسفی‌نژاد می‌گفت «منتقدان فیلمش را کشف کرده‌اند»؛ کشفی که البته خیلی‌ها معتقدند دیر در سینمای ایران اتفاق افتاد.

یوسفی‌نژاد اولین فیلم بلند سینمایی خود را به زبان ترکی ساخت که تحسین بسیاری را برانگیخت و همشهریانش آن را افتخار سینمای تبریز دانستند. «گاد فری چشایر» به عنوان عضو انجمن ملی منتقدان آمریکا، یادداشتی درباره فیلم «او» نوشت که در اولین جشنواره فیلم نیویورک به نمایش درآمد. او طرح داستان این فیلم را پرتعلیق و میزانسن‌های آن را استادانه توصیف کرده بود.

با توجه به بازخوردهای مثبت فیلم «اِو»، یوسفی‌نژاد فیلم دومش را هم به زبان ترکی و با بازیگران تبریزی با نام «عروسک» ساخت. پس از آنکه این فیلم موفق به راهیابی در جشنواره فیلم فجر نشد، سازندگانش در تلاش بودند که پروانه نمایش آن را بگیرند ولی سرانجام تا وقتی کارگردانش زنده بود این تلاش‌ها به ثمر ننشست و «عروسک» در دوران حیات کارگردانش رنگ پرده را ندید.

این فیلم مدتی قبل در جشنواره فیلم استانبول هم نمایش داده شد و از آنجا که به نظر می‌رسد مشکلی برای نمایش آن وجود ندارد، طبق گفته تهیه‌کننده - جلیل اکبری صحت - برای اکران عمومی در سالگرد درگذشت فیلمسازش آماده می‌شود.

اصغر یوسفی‌نژاد ۲۲ شهریور سال ۱۴۰۱ و چند روز پس از آنکه بر اثر خونریزی مغزی در بیمارستان بستری شده بود، با وجود آن که تحت عمل جراحی قرار گرفت، در بیمارستان تبریز از دنیا رفت.

یک منتقد سینما:

سینمای دفاع مقدس به آزمون و خطاهایی از جنس «دسته دختران» نیاز دارد

منتقد سینما معتقد است که سینمای دفاع مقدس به آزمون و خطاهایی از جنس «دسته دختران» نیاز دارد و فیلم می‌تواند راه را برای فیلمسازان بعدی باز کند.

فیلم سینمایی «دسته دختران» دومین ساخته منیر قیدی در کسوت کارگردان به‌شمار می‌آید که این روزها بر پرده سینماهای کشور اکران شده است. قیدی پنج سال پس از ساخت «ویلایی‌ها» که با اقبال مخاطبان و منتقدان همراه شد، بار دیگر به‌سراغ سوژه‌ای زنانه در دل روزهای نفسگیر دفاع مقدس رفته و تلاش کرده است قصه شیرزنان جان‌برکفی را روایت کند که برای حفظ این آب‌وخاک، دوشادوش مردان ایستادند و مقاومت کردند،

در همین زمینه تسنیم با نعمت‌الله سعیدی نویسنده و منتقد شناخته‌شده سینما و تلویزیون مصاحبه کرده است.

سعیدی ضمن تأکید بر موفقیت فیلم منیر قیدی در نمایش عنصر مظلومیت دفاع مقدس، گفت: «دسته دختران» عنصر مظلومیت دفاع مقدس را به‌خوبی نشان می‌دهد و این به تصویر کشیدن مظلومیت از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه ذیل مفهوم عدل تعریف می‌شود، این‌که چه نیرویی جایگاه ظالم را اشغال می‌کند و چه نیرویی در جایگاه مظلوم قرار می‌گیرد. در بخشی از فیلم «دسته دختران» وقتی بانوی رزمنده ناگزیر می‌شود به خط مقدم برود و حضوری نظامی داشته باشد، تصویر زنانه‌تری از عنصر مظلومیت دفاع مقدس را مشاهده می‌کنیم و فیلم، به‌خوبی توانسته است این تصویر را به تماشا بگذارد.

او افزود: اساساً فرهنگ، عنصری زنانه است، این زنان هستند که بازیگر اصلی انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگرند؛ چرا این را می‌گویم؟ چون زنان، نخستین مربی کودکان‌اند، فحوای آیه شریفه «نِسَاؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنّی شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّه...» همین است و متأسفانه ما تاکنون فرصت تفصیل جدی این مباحث را پیدا نکرده‌ایم، گاهی طرف مقابل به‌واسطه شبهه‌افکنی روی این مسائل مانور بسیاری می‌دهد اما ما هنوز آن‌چنان که باید نتوانسته‌ایم چنین ظرائفی را بشکافیم. این آیه شریفه می‌خواهد بگوید که بانوان کشتزار انسانیت‌اند و همه انسان‌ها از دامن زنان به جهان می‌نگرند، یا آن تعبیر معروف حضرت امام خمینی(ره) که می‌فرمایند: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود»، پس نخستین آموزگار همه انسان‌ها مادرانشان هستند و این‌چنین است که می‌گویم فرهنگ عنصری کاملاً زنانه است، مادامی که فلسفه، فرهنگ، ادبیات و... به نقطه زنانگی خود نرسند، بقایی نخواهند داشت.

این منتقد عنوان کرد: در فیلم «دسته دختران» وقتی یک زن به‌عنوان رزمنده در خط مقدم قرار می‌گیرد، هم به‌خوبی عنصر مظلومیت را به تصویر می‌کشد و هم به‌خوبی آن را روایت می‌کند؛ این یکی از مزیت‌های مهم فیلم قیدی است، با وجود این، فکر می‌کنم که فیلم در نمایش هویت زنانه جنگ آن‌چنان که باید موفق عمل نکرده و نقش اساسی زنان در دفاع مقدس ما را به تصویر نکشیده است، چراکه نقش اصلی زنان در دوران دفاع مقدس ما معطوف به نقش پشت‌جبهه‌ای‌شان بود.

او یادآور شد: حجاب، مفهومی بسیار فراگیر و عنصری تمدنی است که تنها بخشی از آن معطوف به پوشش ظاهری است. مفهوم حجاب، صرفاً ناظر به سبک زندگی نیست. تمدنی که قرار است با حجاب باشد در مقایسه با تمدنی که می‌خواهد بی‌حجاب باشد، دارای دو جنس کاملاً متفاوت و متضاد با یکدیگرند، اصلا آرمان‌هایشان با هم متفاوت است، سبک زندگی‌شان با هم تفاوت دارد، برداشت‌شان از زندگی با هم متفاوت است، تعریف فردیت و اجتماعی بودن‌شان با هم تفاوت دارد و موارد متعدد دیگری از این دست که همگی دارای تفاوت با یکدیگرند. در طول تاریخ هم مشاهده می‌کنیم تمدنی که براساس عریانی شکل گرفته است در مقابل تمدنی که مبتنی بر حجاب شکل گرفته است، کاملاً با هم متفاوت‌اند.

سعیدی در بخش دیگری از سخنان خود عنوان کرد: حضور زنان در خط مقدم با فلسفه و ذات حجاب هم‌خوان نیست، چه اصراری وجود دارد که یک دختر جوان به‌قدری در خط مقدم پیشروی کند که احتمال اسارتش به وجود آید؟ این وضعیت با فلسفه حجاب هم‌خوانی ندارد. یک زن مادامی که حجابش به خطر نیفتد می‌تواند در خط مقدم پیشروی کند اما بیش از این نمی‌تواند جلو برود، البته این موضوع تقصیر فیلمساز نیست، اساساً چنین آزمون و خطاهایی در سینمای دفاع مقدس باید اتفاق بیفتد تا مسئله روشن شود. ما تاکنون در این عرصه فیلم جدی نساخته‌ایم و «دسته دختران» به‌صورت جدی به حوزه نقش زنان در دفاع مقدس ورود کرده و اصطلاحاً به دل میدان زده است، این فیلم می‌تواند راه را برای فیلمسازان بعدی که می‌خواهند به این حوزه ورود کنند، باز کند.

او ادامه داد: فیلمسازان آینده ما قطعاً نمونه‌ای کارگشا در اختیار خواهند داشت که می‌تواند به آنها متر و معیار دهد تا آثارشان را بهبود بخشند، اما این سخن ضرورتاً به این معنا نیست که الفبای مورد استفاده فیلمساز در «دسته دختران» الفبای درستی است.

این منتقد سینما با اشاره به تفاوت‌های تصویر قهرمان در سینمای هالیوود و تصویر قهرمان در سینمای دفاع مقدس بیان کرد: من با رویکرد فیلم برای به تصویر کشیدن یک زن قهرمان به‌شکل قهرمانان هالیوودی مشکل دارم و فیلمساز در این زمینه نتوانسته است تفکیک لازم را انجام دهد. قهرمان سینمای هالیوود، در نهایت زنده می‌ماند اما قهرمان دفاع مقدس ما به‌سمت شهادت حرکت می‌کند. ممکن است شهادت لزوماً دربرگیرنده مرگ فیزیکی نباشد و رزمنده، به شهیدی زنده تبدیل شود. قهرمان دفاع مقدس ما، قهرمان شهادت و مظلومیت است اما قهرمان هالیوودی در نقطه مقابل این تعریف قرار دارد و نمی‌تواند بمیرد، اصلاً سینمای هالیوود توان به تصویر کشیدن قهرمانی را که فداکاری را به اوج برساند و با جان خود ایثار کند، ندارد، حکایت این بیت مشهور حافظ است که «مدعی خواست که آید به تماشاگه راز، دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد».

او اضافه کرد: همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره کردم، نخستین و اصلی‌ترین انتظار ما از فیلمساز دفاع مقدس این است که شهدایمان را به تصویر بکشد، شهدایی که واقعیت زندگی معمولی‌شان از اوج تخیل نویسندگان ادبیات روشنفکری بالاتر است، ادبیات روشنفکری نمی‌تواند تصور کند که آدمی از یک کوره‌دهات، بیاید و فرمانده لشکر شود و چنین رشادت‌هایی را از خود به‌جا بگذارد، پس قهرمان دفاع مقدس و قهرمان هالیوودی دو قطب مخالف یکدیگرند، فیلم «دسته دختران» به‌دلیل اینکه می‌خواسته است زنان را به تصویر بکشد و با توجه به اینکه مبانی و الفبای خلق چنین تصویری از قبل برای فیلمساز روشن نبوده است، از نظر الفبا مسیر را اشتباه رفته است، چراکه جهان‌بینی دفاع مقدس ما با حضور یک دختر جوان در خط مقدم تعارض دارد.

سعیدی در پاسخ به این پرسش که "آیا فیلم می‌تواند با دختران نسل امروز ارتباط برقرار کند و پیامی قابل اعتنا را به آنها مخابره کند؟"، گفت: اثر هنری حالات مختلفی دارد، گاهی یک اثر هنری واجد ویژگی‌هایی است که اگر به‌صورت اتفاقی با آنها مواجه شوید، احساس رضایت پیدا می‌کنید، در ارتباط با «دسته دختران» هم این قاعده صادق است و مخاطبی که در سالن سینما به تماشای فیلم می‌نشیند، ناراضی از سالن خارج نمی‌شود؛ یعنی فیلم مخاطب را راضی می‌کند، ممکن است بپرسید؛ "آیا پیام‌های خاصی را هم به مخاطب منتقل می‌کند؟" در پاسخ می‌گویم؛ "بله"، یا بپرسید؛ "آیا فکرتان را درگیر می‌کند که در ساعات پس از تماشای فیلم، همچنان به آن فکر کنید؟"، بله، این کارکرد را هم دارد، اما فیلمی نیست که مخاطب امروز نسبت به آن احساس نیاز داشته باشد و با خود بگوید "اگر این فیلم را نمی‌دیدم، ضرر می‌کردم."، فیلم باید به چنین نقطه‌ای برسد؛ به نقطه‌ای که مخاطب احساس کند اگر آن را نمی‌دید، ضرر می‌کرد.

سعیدی با اشاره به کارکرد مثبت فیلم قیدی در آموزش مدیریت بحران گفت: «دسته دختران» از جهات مختلف، فیلم قابل تأملی است، مثلاً یکی از موارد مهم فیلم، نمایش نحوه مدیریت جمعی در بحران‌هاست. فیلم، این نوع مدیریت را به‌خوبی نشان می‌دهد، اگر خدای نکرده یک فرهنگ یا جامعه دچار حوادث طبیعی نظیر زلزله یا سیل شود، چگونه باید رفتار کند تا بحران به‌درستی مدیریت شود؟ اگر قرار باشد آدم‌ها در مواقع بحران، تنها به فکر خودشان باشند، چه تبعاتی به بار می‌آید؟ جوامع قوی، متمدن و برخوردار از فرهنگ غنی می‌دانند که در مواقع بحران، چگونه بحران را مدیریت کنند.

او ادامه داد: «دسته دختران» از حیث پروداکشن، حجم وسیعی از نیروها، تجهیزات جنگی اعم از تانک و ماشین و... را دور هم جمع و درگیر می‌کند و همه این‌ها نوعی تمرین مدیریت بحران است. اگر خدای نکرده روزی بحرانی در کشور به وجود آید، کارگردان فیلم، مدیریت بحران را از قبل آموخته است، بنابراین فیلم به‌نوعی تعلیم مدیریت بحران می‌دهد، توجه داشته باشید که ساخت فیلم دارای پروداکشن سنگین مستلزم نوع خاصی از مدیریت است و ما در سینمایمان کارگردان‌های زیادی را سراغ نداریم که بتوانند چنین سطحی از تولید را مدیریت کنند، قیدی به‌خوبی از پس این کار برآمده است.

سعیدی در بخش دیگری از اظهارات خود به لزوم داشتن انتظارات معقول از سینمای ایران اشاره و بیان کرد: سینمای ایران هنوز فیلمی در طراز آرمان‌های بلندی که سراغ داریم، نساخته است، فیلمی که دست‌کم پنجاه سال ماندگاری داشته باشد، هنوز نمی‌توان چنین انتظاری را از سینما داشت، زیرا در تمدن ما هنوز درام شکل نگرفته است، مادامی که درام‌نویسی شکل نگیرد، نمی‌توانیم توقع فیلم‌نامه‌نویسی داشته باشیم. تا وقتی که فیلم‌نامه‌نویسی شکل نگیرد، نمی‌توانیم توقع ساخت فیلم باکیفیت را داشته باشیم و همه این مراحل باید سپری شود، البته لزومی ندارد که حتماً ابتدا درام شکل بگیرد و بعد، باقی مراحل طی شود. گاهی اوقات، خصلت سیالیت فرهنگ باعث می‌شود مسیر، به‌شکل به‌عکس طی شود.

این منتقد سینما در پاسخ به این پرسش که آیا دومین تجربه بلند سینمایی قیدی در مقایسه با فیلم نخست او گامی رو به جلوست یا خیر، گفت: من «ویلایی‌ها» را نسبت به «دسته دختران» اثر قوی و موفق‌تری می‌دانم، چراکه از نظر الفبا فیلم درست‌تری است، در «ویلایی‌ها» قهرمان‌ها باورپذیرترند و پرسپکتیو فیلم بیشتر است، همچنین عمق داستان و شخصیت‌ها بیشتر است اما در «دسته دختران» بسیاری از مواقع، عمق و پرسپکتیو کاهش پیدا می‌کند، اما از حیث تجربه فیلمسازی، قطعاً «دسته دختران» چند قدم رو به جلوست، بدین‌معنا، فیلم از حیث مهارت‌ها و تکنیک‌های فیلمسازی کاملاً جلوتر از «ویلایی‌ها» است اما از حیث الفبا در «دسته دختران»، کارگردان مجبور بوده است مخاطراتی را به‌جان بخرد و طبیعی است که در چنین مواقعی خطاهایی هم حادث شود، اصلاً مخاطره‌ای که در آن احتمال خطا نباشد دیگر مخاطره نیست، بنابراین به فیلمساز حق می‌دهم که اشکالاتی در کارش وجود داشته باشد، چراکه می‌خواسته است تجربه کند، گاهی اوقات، قلق‌گیری لازم است و انسان ممکن است در قلق‌گیری تیر اشتباه هم بزند.

سعیدی در بخش پایانی اظهارات خود خاطرنشان کرد: به‌رغم همه نکاتی که بیان شد، در مجموع با فیلم «دسته دختران» نسبتی همدلانه دارم و از فیلم راضی‌ام اما باید به این نکته توجه داشت مادامی که اشکالات کار یک فیلمساز بیان نشود، زمینه برای رشد آثار آتی او فراهم نمی‌شود، باید به این فیلمساز فرصت بیشتری بدهیم و منتظر ساخت آثار بعدی‌اش باشیم.

درنگ

اتهامی بزرگ به شریعتی

محمد مهدی اسکندری

جریان نهضت اسلامی و مبارزه انقلابی ایران، شخصیت‌های مختلف از حوزه و دانشگاه را به کف میدان مبارزه کشاند تا دوشادوش مردم قرار گیرند و با ارتباط گیری اجتماعی امر روشنگری را محقق سازند. یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران که در ساحت فکر و اندیشه اثرگذاری قابل توجهی را بر جوانان دهه ۴۰ و ۵۰، بالاخص دانشجویان گذاشت، مرحوم دکتر علی شریعتی بود. روشنفکری که به جهت انتسابش از طرف پدر به روحانیت با سنت حوزوی و علوم اسلامی آشنایی داشت و از سوی دیگر تحصیلکرده سوربن فرانسه بود و چند صباحی با اندیشمندان مغرب زمین دمخوری داشت.

شریعتی هم مانند جلال‌آل‌احمد، چاره هویت‌زدایی از جامعه غرب‌زده و خرافات‌گرای ایرانی را بازگشت به خویشتن می‌دانست، بازگشتی که باید به شکل دیگری چشم به اسلام و بزرگان آن می‌انداخت.

اسلامِ در صحنه و فعالی که برای جامعه درمانده ایرانی یک تجویز اثربخش دارد و قادر است بار دیگر عزت را در پرتو دین به مردم ایران هدیه کند. در این بین شریعتی در دو جبهه شمشیر می‌زند و به تقابل می‌پردازد. از طرفی او خود را در مواجهه با روشنفکرانی می‌بیند که بدون اجازه غرب، دست به فکر کردن نمی‌زنند و هر آنچه در کتب اندیشمندان غربی آمده است را به مثابه وحی الهی انگاشته و به دیده تمسخر و استهزا دین و مذهب را نظاره‌گر بودند.

از سوی دیگر، شریعتی قرار است با پیروان اسلام سنتی که در حوزه‌های علمیه جا خوش کرده‌اند درگیر شود؛ چرا که این جامعه‌شناس و دین‌پژوهی از قرائتی از دین سخن می‌گوید که با رویکرد سنت‌گرایانه متفاوت است و اساساً یکی از عوامل عقب‌افتادگی جامعه را همان اسلامِ منزوی و گوشه‌گیر در حوزه‌های علمیه می‌داند.

شریعتی دشمن سفت و سخت تحجر و اسلام قشری‌گرا است و به نوعی آن را همدست و هم‌رأی استعمار می‌داند که با همکاریِ روشنفکری تجددگرا موجب تحقیر و زبونی ملت ایران و جامعه مسلمین شده است. وقتی متحجرین حوزوی می‌دیدند که خوانش شان از اسلام و شخصیت‌های دینی توسط یک استاد دانشگاه کت‌وشلواری زیر سؤال رفته است، بی‌شک رگِ غیرتشان می جنبد و برای طرد و نفی آن به هر وسیله ای تشبث می‌کنند.

یکی از کلیشه‌های غیرمنصفانه که درمورد شریعتی از سوی برخی حوزوی‌ها مطرح گشت و تا الآن هم ادامه دارد این است که شریعتی ضد روحانیت و در پی ایجاد خوانشی از اسلام، آن هم به شکل منهای روحانیت است. اما حقیقت را باید در آثار خودِ شریعتی جست و پس از مطالعه تمام نظرات او دستَ به قضاوت زد. شریعتی ضد روحانیت نبود، بلکه ضد تحجر و انفعال حوزه بود :

«می‌بینی که چگونه دست پیدای این سنت‌گرای امّل و دست مرموز و پنهان آن ترقی‌خواه متجدد، در هم فشرده شدند و هم را یاری می‌دهند تا همه چیز را در دنیای ما نابود کنند تا ما را به شکل مصرف‌کننده رام و برده آرام درآورند.» (کتاب فاطمه فاطمه است)

او هیچگاه پیگیر حذف این صنف از جامعه نشد، چرا که می‌دانست این امر شدنی نبوده و اساساً چشم امیدش به همان حوزه‌های علمیه است:

«بزرگ‌ترین امیدم به همین حوزه‌های علمی است و چشمِ انتظار به همین حجره‌های طلبگی. » (کتاب چه باید کرد؟)

شریعتی اتهام ضدیت‌اش با روحانیت را یک توطئه از سوی مخالفان و چشم‌تنگان حسود می‌دانست و تصریح داشت که:

«مخالفان و دست‌های مرموز، به انواع و اقسام حیله‌ها، گاه عمیق و گاه خیلی وقیحانه و رسوا، به عنوان دفاع از روحانیت، به عنوان دفاع از مذهب، می‌کوشند تا به انواع حیله‌ها، ما را به عنوان عده‌ای که با روحانیت مخالفند، جلوه دهند و به این عنوان حمله می‌کنند و هدفشان این است تا ما را وادارند تا به عنوان دفاع از خود، به روحانیت حمله کنیم.» (کتاب اسلام‌شناسی)

شریعتی در همین‌باره گفته است:

«این که من با روحانیت مخالفم، تهمتی است که همان‌اندازه بی‌پایه است که پیش از شایع کرده بودند که با تشیع مخالفم!من چنانکه بارها گفته‌ام، دفاع از اصالت جامعه علمی شیعه، حتی در مسئولیت هر روشنفکری است که با استعمار فرهنگی غرب در مبارزه است، ولو از نظر اعتقادی یک احساس مذهبی نداشته باشد.» (کتاب نوشته‌های تنهایی.)

پر واضح است که شریعتی این سخنان را زمانی می‌گوید که روحانیت به قدرت نرسیده است و از طرفی هم مورد هجوم بی‌رحمانه برخی روشنفکران و حتی دستگاه‌های دولتی است. پس نمی‌توان این سخنان شریعتی را به پای تقیه یا تعارف نوشت، بلکه او در این سخنان اعتقاد حقیقی خویش درمورد روحانیت را بیان می‌کند.

محمد اسفندیاری دو قشر را کسانی معرفی می‌کند که در پی انتصاب نظر «اسلام منهای روحانیت» یا «شریعتیِ ضد روحانیت» هستند:

« چنان می نمایند که شریعتی مخالف روحانیت بود و شمشیر را از رو علیه روحانیت بسته بود مخالفان روحانیت هم برای تخریب روحانیت و پیدا کردن هم دست برای خود شریعتی را مخالفت روحانیت معرفی می کنند و در پشت چهره شریعتی پنهان می شوند. اینان چون شجاعت آن را ندارند که به مخالفت با روحانیت بپردازند از شریعتی سنگ می سازند و آن را بهانه قرار می دهند.» (کتاب شعله بی‌قرار)

حقیقت آن است که شریعتی نه تنها ضدروحانیت نبود، بلکه در پی ارتقای اجتماعی روحانیت دربین مردم است و راه حل را بازگشت اسلام و روحانیت از کنج حوزه‌های علمیه به بطن و متن جامعه می‌داند. الف